

وقتی چین دوباره ایران را غافلگیر می‌کند

آنچه تاکنون توانسته امارات را در جلب نظر روسیه و چین به عنوان دو عضو موثر شورای امنیت موفق کند، عدم توجه ایران به پیامدهای بلندمدت چنین سیاست‌هایی از سوی دوستان فعلی ایران است. اگرچه ایران در شرایط فعلی به دلیل برتری قدرت نظامی و دسترسی به منابع نفتی، بی‌نیاز از هرگونه مذاکره برای رفع مناقشات حقوقی است، اما حرکت گام به گام امارات در تثبیت مناقشه حقوقی و سپس پیگیری حق خود بر جزایر سه‌گانه، ایران را در آینده‌ای دور که متاثر از شرایط غیرقابل پیش‌بینی در وضعیت شکننده قرار دهد، پیمان‌های حقوقی فعلی را بر آیندگان تحمیل خواهد کرد. موضوعی که می‌توان از هم‌اکنون نشانه‌های قدرت اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی را نسبت به ایران در تحریم مشاهده کرد. چه آنکه سفر شیخ محمد بن زاید آل نهيان، پادشاه امارات به چین، نشان دهنده پیشرفت کیفی در روند روابط تاریخی دو کشور بود. دو کشور روابط نزدیکی در سطوح مختلف دارند که در گفت‌وگوهای جاری بین دو طرف، دیدارهای بالاترین سطوح بین دو کشور و نشست‌های وزیران دولتی در حال انجام است، به گونه‌ای که نشان دهنده علاقه زیاد بین آن‌ها به توسعه روابط دو جانبه است. اگرچه روابط امارات و چین تاریخی و ریشه‌دار است و سفر مرحوم شیخ زاید بن سلطان آل نهيان به چین در ماه می ۱۹۹۰ اولین سفر در نوع خود توسط رئیس‌یگی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به چین بود که پس از سفر یانگ شانگ‌کون، رئیس‌جمهور فقید چین به امارات در دسامبر ۱۹۸۹ انجام شد. دیدارهای رسمی مبادله شده بین رهبران دو کشور به تحکیم روابط دو جانبه بین آن‌ها و سوق دادن آن‌ها به سمت توسعه بیشتر کمک کرد، از جمله سفر شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به امارات در سال ۲۰۱۸ و همچنین سفر شیخ محمد بن زاید آل نهيان به جمهوری خلق چین در ژوئیه ۲۰۱۹ که مرحله جدید و محوری در مشارکت استراتژیک بین دو کشور رقم زد. این همان دیپلماسی است که ایران را در وضعیت کنونی قرار داده است. به عبارت دیگر ایران برخلاف امارات که روابط پیچیده خود را با غرب و شرق حفظ کرده و در تلاشی گام به گام در حال انعقاد یک پیمان حقوقی متشکل از اعضای شرقی و غربی شورای امنیت برای به رسمیت شناختن مناقشه بر سر جزایر سه‌گانه است، ایران صرفاً با تکیه بر تئوری سنتی حسن‌هجواری و روابط سنتی ایران و امارات به دنبال اعمال حق تمامیت ارضی خود بر جزایر سه‌گانه است. چه آنکه عراق دوره صدام نیز در وضعیتی که ایران (بعد از انقلاب ۵۷) از حیث سیاسی شکننده بود، جنگ هشت ساله را بر ایرانی که در زمان پهلوی با آن مناقشه حقوقی بر سر خرمشهر داشت، تحمیل کرد.

تقابل رویکرد سنتی و مدرن

برای فهم این وضعیت پارادوکس‌نما باید از یک مفهوم جدید به عنوان نظم چندموسویی Multialigned استفاده کرد. بر اساس این نظم، قدرت‌های منطقه مایل هستند با چند بازیگر رقیب کار کنند. زیرا می‌خواهند مزیت سیاسی، نظامی و امنیتی خود را افزون کنند. این مفهوم همچنین بیان می‌کند که عصر اتحادها، ائتلاف‌ها و بلوک‌بندی‌های پایدار، گذشته و امکان برقراری این بلوک‌بندی‌های پایدار و شرکات‌های انحصاری دیگر وجود ندارد. نمونه‌ای همین رفتار چین با ایران است که منافع سرزمینی و حیاتی متحد خود را نادیده گرفته است. در این نظم بده‌بستان محور و معامله‌محور، روابط بسیار کوتاه‌مدت و فارغ از مباحث ایدئولوژیک است. در توصیف برنانه امارات که برخلاف رویکردهای ایران در تحریم در حال اجراست، حجج تجارت خارجی غیرنفتی امارات با چین طی سال گذشته با رشد ۲۰۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ به ۲۹۶ میلیارد درهم معادل (۸۱ میلیارد دلار) رسید. بدین ترتیب چین جایگاه اول امارات را به عنوان شریک تجاری خود در تجارت غیرنفتی در سال ۲۰۲۳، به ۱۲ درصد از این تجارت را به خود اختصاص داده حفظ کرده است. چین از نظر واردات از امارات، با سهم ۱۸ درصدی در صادرات غیرنفتی رتبه اول و در صادرات مجدد با سهم ۴ درصدی در رتبه هشتم قرار دارد. در طول سال ۲۰۲۳، امارات متحده عربی اولین شریک تجاری عرب با سهم ۳۰ درصدی بوده است. از سوی دیگر مجموع جریان سرمایه‌گذاری امارات متحده عربی در چین بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ به حدود ۹.۱۱ میلیارد دلار آمریکا رسید که شامل چندین بخش، به ویژه ارتباطات، انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل و نقل و ذخیره‌سازی، هتل‌ها و گردشگری و لاستیک بود، در حالی که جریان سرمایه‌گذاری چین در امارات متحده عربی بالغ بر ۷.۷ میلیارد دلار در مدت مشابه رسیده است. بنابراین بر اساس اظهارات رسمی رهبران هر دو کشور باید گفت در دهه آینده روابط فی‌مابین آنها در کلیه زمینه‌ها رشد کند و متعادل در تمام بخش‌های اقتصادی و همچنین در حوزه‌های دیپلماتیک، سیاسی و امنیتی گسترش خواهد یافت. مسلماً «محور آسیایی» امارات متحده عربی از همسایگان جامع‌تر است، زیرا نه تنها روابط نزدیکی با چین برقرار کرده است بلکه در ایجاد روابط اقتصادی و دیپلماتیک-امنیتی قوی با هند، ژاپن و جمهوری کره - سه دموکراسی آسیایی که بلاک چین خود را تشکیل داده‌اند، تلاش نموده است. روابط با هند به ویژه به عنوان جامع‌ترین رابطه قابل توجه است. هند نه تنها یک شریک بزرگ اقتصادی با حضور جمعیتی بزرگ در امارات است، بلکه یک شریک امنیتی برای ابوظهبی است. علاوه بر این، هند مایل است روابط خوب خود را با امارات متحده عربی و اسرائیل ایجاد کند تا پروژه جایگزین خود را برای اتصال اقتصادهای اقیانوس هند به اروپا ایجاد کند. تاکنون، یکن و دهلی نو استراتژی چندجانبه امارات متحده عربی را پذیرفته‌اند و تا زمانی که هند چین هر دو از شرکات با امارات متحده عربی بهره‌مند شوند، بعید است که این کشور درگیر مشکلات دو جانبه خود کنند. ناظران سیاسی معتقدند رقبای ایران با درک مزیت‌های تحریم ایران، تلاش می‌کنند پیمان‌های خود با رقبای ایران را برای استمرار تضعیف ایران تا نقطه شکنندگی در آینده‌ای دور ادامه دهند.

امیرضا واعظ‌آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

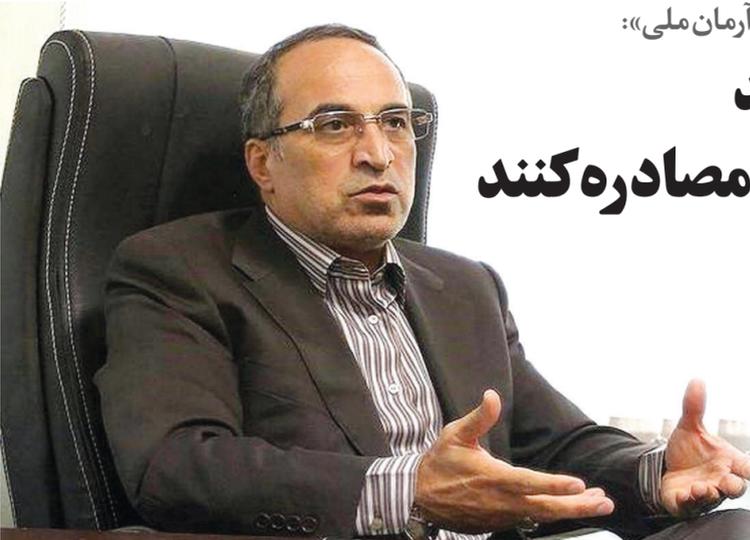
اعضای دولت نباید شخصیت رئیسی را مصادره کنند



شرایط امروز جلیلی مانند احمدی نژاد در

سال ۱۳۸۴ است

قالیباف باید منتظر پیامدهای ثبت نامش باشد



آرمان ملی - احسان انصاری: استراتژی اصولگرایان برای جلوگیری از تشتت در انتخابات ریاست جمهوری چه خواهد بود؟ اصولگرایان بر سر اجماع روی گزینه‌هایی مانند جلیلی و قالیباف به چه نتیجه‌ای خواهند رسید؟ آیا اعضای دولت رئیسی که در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند به دنبال ادامه دولت رئیسی هستند و دولت سیزدهم به اندازه‌ای کارآمد بوده که نیازمند تغییر نباشد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با امیررضا واعظ‌آشتیانی، فعال سیاسی اصولگراقت‌وگو کرده است. واعظ‌آشتیانی معتقد است: «مشخص نیست کسانی که در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند چه شاخص‌هایی برای خود تعریف کرده‌اند که تصمیم گرفته‌اند در انتخابات ثبت‌نام کنند. کسانی که نمی‌توانند خانواده خود را به خوبی مدیریت کنند و

تحلیل درستی از مناسبات سیاسی کشور ندارند چگونه مدعی هستند که می‌توانند یک کشور را مدیریت کنند؟ شرایط به شکلی است که در شرایط کنونی در جریان اصولگرایی سه طیف باهم رقابت خواهند کرد. این در حالی است که در جریان اصلاحات نیز رقابت‌های درون گروهی وجود خواهد داشت. نکته مهم اینکه شورای نگهبان با کسی تعارف ندارد و بر اساس هر قانون عمل خواهد کرد و به کسانی که صلاحیت مدیریت کشور را ندارند اجازه نخواهد داد در انتخابات حضور داشته باشند. البته شورای نگهبان نیز عاری از خطا نیست و ممکن است دچار خطا شود. همان‌طور که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته مشاهده کردیم که باعث گلایه مقام معظم رهبری شد، در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

از جریان اصولگرایی به دنبال ادامه دولت شهید رئیسی هستند. آیا روندی که دولت سیزدهم در مدیریت کشور داشت نیازمند تغییر است و یا باید ادامه پیدا کند؟

واقعیت این است که ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی ممتاز آقای رئیسی متمایز از دولت ایشان است. سوال مهم این است که همه اعضای دولت دارای خاصه‌های ایشان هستند؟ شاید کسانی هم در دولت ایشان حضور داشته باشند که از ویژگی‌های ایشان برخوردار بودند. آقای رئیسی در زمینه اخلاقی و عملیاتی رئیس‌جمهور برجسته‌ای بودند. ایشان فردی صبور و توانا بودند که همه تلاش‌شان این بود که به کشور مردم خدمت کند و در زمینه پیگیری و تلاش شخصی ناپذیر بود. با این وجود در دولت آقای رئیسی کمتر کسی وجود دارد که عملکرد آنها را ملال‌گرا قرار بدهیم که به عنوان رئیس‌جمهور بعدی کشور انتخاب شوند. ما باید مشخص کنیم که آیا قرار است سطح ریاست‌جمهوری را کنترل بدهیم و یا آن را ارتقا بدهیم؟ اگر قرار است سطح ریاست‌جمهوری را ارتقا بدهیم باید از افراد کارآمدتر و توانا برای مدیریت کشور استفاده کنیم. رئیس‌جمهور بعدی باید نسبت به عملکرد خود و اعضای کابینه‌اش مطالبه‌گری داشته باشد و از سوی دیگر توانایی‌های خود را به خوبی در مدیریت کشور نشان بدهد. واقعیت این است که در دولت آقای رئیسی افرادی وجود داشتند که شاخص‌های لازم را برای مدیریت یک وزارتخانه نداشتند، اما به عنوان وزیر انتخاب شده بودند. البته این به معنای آن نیست که آقای رئیسی نمی‌خواستند عنوان وزیر انتخاب شوند. چنین تصمیماتی باعث می‌شود که کارایی یک وزارتخانه کاهش پیدا کند. اینکه اعضای دولت رئیسی فکر کنند مردم به خاطر آقای رئیسی به آنها رأی می‌دهند اشتباه است و مردم چنین کاری نخواهند کرد. محبوبیت آقای رئیسی به دلیل ویژگی‌های شخصیتی ایشان بوده است. به همین دلیل اعضای کابینه شخصیت‌های رئیسی را مصادره نکنند.

اصلاح‌طلبان نسبت به انتخابات گذشته استقبال کمتری از ثبت‌نام داشتند و جز چهره‌های معدودی اغلب افراد برجسته اصلاح‌طلب ترجیح دادند در انتخابات ثبت‌نام نکنند. ارزیابی شما از رفتارشناسی جریان اصلاحات در انتخابات آینده چیست؟

واقعیت این است که اصلاح‌طلبان نیز مانند اصولگرایان هستند و دیگر چهره‌ای برای آنها باقی نمانده که بتوانند در انتخابات از وی حمایت کنند. البته کسی مانع ثبت‌نام اصلاح‌طلبان نشده و آنها می‌توانستند در انتخابات ثبت‌نام کنند. من فکر می‌کنم جریان اصلاحات نیز با همه ظرفیتی که در اختیار داشته در انتخابات حضور پیدا کرده است. اختلاف سلیقه محترم است اما اگر کسی ارزش‌های نظام را زیر سوال برد نباید نام آن را شجاعت گذاشت. کسانی که از هر دو جریان سیاسی در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند، آگاهانه وارد صحنه شده‌اند و همگی نیز برای پیروزی آمده‌اند. در شرایط کنونی هر کسی که به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود باید برنامه‌ریزی مشکلات کشور را حل کند و این موضوع ارتباطی به اینکه رئیس‌جمهور آینده منتسب به چه جریان سیاسی است نخواهد بود.

در شرایط کنونی در جریان اصولگرایی دو جریان وجود دارد. این در حالی است که از بین اصلاح‌طلبان نیز چهره‌های زیادی در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند. اینکه ۸۰ نفر در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرده‌اند عارضه عدم تعزب است و به دلیل این اتفاق صورت گرفته که در کشور حزب به معنای واقعی وجود ندارد. بین کشورهای جهان کمتر کشوری را پیدا می‌کنید که ۸۰ نفر برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنند و خود را در شرایطی ببینند که بتوانند کشور را مدیریت کنند. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که ما فاقد یک حزب کارآمد هستیم. اگر احزابی وجود داشت که در حوزه‌های مختلف به صورت تخصصی فعالیت داشتند و نمایندگی بخشی از جامعه را برعهده می‌گرفتند امروز به جایی نمی‌رسیدیم که ۸۰ نفر در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنند و هر کسی خود را واجد شرایطی مدیریت کشور بزرگی مانند ایران بداند. این نقیصه باعث شده که ۸۰ نفر در انتخابات ثبت‌نام کنند و هر کدام نیز خود را اصلاح‌تر از دیگران بدانند. البته حضور این همه افراد در انتخابات به معنای آزادی نیست. کسانی که تا دیروز مدعی بودند در جمهوری اسلامی آزادی وجود ندارد در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند. سوال مهم در این زمینه این است که اگر آزادی وجود ندارد چرا در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اید؟ نکته مهم این است که مشخص نیست کسانی که در انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند چه شاخص‌هایی برای خود تعریف کرده‌اند که تصمیم گرفته‌اند در انتخابات ثبت‌نام کنند. کسانی که نمی‌توانند خانواده خود را به خوبی مدیریت کنند تحلیل درستی از مناسبات سیاسی کشور ندارند چگونه مدعی هستند که می‌توانند یک کشور را مدیریت کنند؟ شرایط به شکلی است که در شرایط کنونی در جریان اصولگرایی سه طیف با هم رقابت خواهند کرد. این در حالی است که در جریان اصلاحات نیز رقابت‌های درون گروهی وجود خواهد داشت. نکته مهم اینکه شورای نگهبان با کسی تعارف ندارد و بر اساس هر قانون عمل خواهد کرد و به کسانی که صلاحیت مدیریت کشور را ندارند اجازه نخواهد داد در انتخابات حضور ریاست‌مجلس بوده که عملکرد ایشان در این زمینه نیز دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است.

ثبت‌نام برخی از اعضای دولت آقای رئیسی این شائبه در فضای انتخاباتی به وجود آمده که بخش‌هایی

آقای قالیباف و لاریجانی دارای دفترچه عملکرد هستند و عملکرد آنها در گذشته قابل بررسی است. عملکرد آنها نیز در برخی زمینه‌ها قابل نقد و در برخی زمینه‌ها قابل دفاع است. شرایط دربارۀ آقای جلیلی اما متفاوت است. واقعیت این است که شرایط امروز جلیلی مانند احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ است. در واقع دفترچه جلیلی در شرایط کنونی تمیز است و چیزی روی آن نوشته نشده است. درست

مانند احمدی نژاد سال ۸۴

بندی آقای خاتمی یعنی تأمین حقوق کلیه شهروندان جامعه رنگین‌کمانی ایران از جمله: حق حاکمیت ملی، حق آزادی بیان، حق استفاده از فرصت‌های برابر فارغ از جنسیت، قومیت و مذهب، گرایش سیاسی و اصلاح‌ساختارها، سیاست‌ها و عملکردها همه‌توان خود را به‌کارگیریم. ۵. برای قدرتمند شدن جامعه مدنی ایران که از لوازم دولت توانمند است، بکوشم و تقویت جامعه مدنی را از اولویت‌های دولت خود بدانم. ۶. حل مشکلات معیشتی و تأمین رفاه و کاهش آلام مردم ایران را با اصلاح اقتصاد سیاسی کشور و نیز تعامل سازنده با جهان در رأس اولویت‌های دولت خود قرار دهم.

میتاقت‌نامه ۶ ماده‌ای جبهه اصلاحات در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ برای کاندیداها منتشر شد. متن این میتاقت‌نامه به شرح زیر است: ۱. به کلیه سازوکارهای تصمیم‌گیری جبهه اصلاحات ایران برای رسیدن به نامزد واحد بایبند باشم. ۲. در صورتی که نامزد منتخب جبهه اصلاحات بر اساس سازوکارهای تعیین‌شده فرد دیگری بود، رسماً کناره‌گیری از رقابت انتخاباتی و حمایت خود را به نفع نامزد منتخب اعلام نمایم. ۳. قبل و بعد از اعلام صلاحیت‌ها و تا رسیدن به نامزد واحد علیه هیچ‌یک از نامزدهای جبهه موضع‌گیری نداشته باشم. ۴. به منظور اجرای فصل سوم قانون اساسی و با در نظر گرفتن بیانیه ۱۵

یادداشت

چرا چین به سمت امارات غش کرد؟!



صابر گلغهنری

کارشناس روابط بین‌الملل

چین بار دیگری پای بیانه مشترک با امارات در مورد جزایر سه‌گانه امضا گذاشت. این بیانه مشترک در پایان سفر محمد بن زاید، رئیس امارات صادر شد که در بند ۲۶ آن چین اعلام کرده است که از «تلاش‌های امارات متحده عربی برای رسیدن به راه‌حلی مسالمت‌آمیز درباره مسأله جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) از طریق مذاکرات و دوجانبه بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و حل این مسأله بر اساس قوانین بین‌الملل حمایت می‌کند». متعاقب این موضع‌گیری، وزارت امور خارجه ایران بار دیگر سفیر چین را فراخواند و اعتراض کرد. این در حالی است که یکن همین موضع را هم سال گذشته در بیانیه پایانی نشست سران شورای همکاری خلیج فارس با شی جین‌پینگ اتخاذ و ایران نیز اعتراض کرده بود؛ اما تکرار موضع چین نشانگر این است که اعتراض قبلی کارگر نیفتاده است. اگر دفعه قبل با اشاره به رفتار معمولی کشورها در مسائل اختلافی میان کشورهای دیگر مبنی بر دعوت به گفت‌وگو و حل مسالمت‌آمیز تلاش شد از اهمیت موضع چین کاسته شود، اما تکرار این رفتار واجد این پرسش جدی است که چین چرا همچنان بر این رویه خود اصرار دارد؟ رویه‌ای که معمولاً در تضاد با رویکرد متعارف چین به ویژه در خاورمیانه بر تنش در اجتناب از ورود به اختلافات و جالش‌ها میان کشورهاست و تلاش می‌کند نوعی توازن را حداقل در بعد اعلامی رعایت کند.

پاسخ به این پرسش چندان سخت نیست. اینکه چینی‌ها اولاً این رفتار خود را ولو در تضاد با رویکرد خاورمیانه‌ای آن‌ها باشد، واجد آورده خوبی در جهت تقویت مناسبات و تعمیق منافع خود با امارات می‌دانند و ثانیاً آن را دارای خطر و تهدیدی برای منافع اقتصادی خود با ایران نمی‌دانند. از این رو حفظ و گسترش مناسبات اقتصادی خود با چین نگران‌کننده، امروزه امارات برای ایران برخوردار از فرصت‌ها و منافع بالقوه‌ای است که موانع و چالش‌های خارجی زیادی در مسیر فعلیت یافتن آن‌ها قرار دارند. در چنین وضعی طبیعی است که چینی‌ها، نقد را بر نسیه ترجیح دهند و این چنین به سمت امارات غش کنند. کما اینکه جنس مناسبات اقتصادی چین با امارات و ایران نیز متفاوت است؛ با ابوظهبی بنیادی تر و عمیق‌تر در سطح سرمایه‌گذاری و شرکات راهبردی اقتصادی است و با تهران در سطح معمولی تجارت دوجانبه و تبادل کالا است. در سال گذشته میلادی مبادلات تجاری غیرنفتی چین و امارات که از حیث مساحت و جمعیت اصلاً قابل مقایسه با ایران نیست، بالغ بر ۸۱ میلیارد دلار بود؛ یعنی رقمی دو برابر حجم تجارت ایران و چین. کما اینکه ۶۰ درصد از تجارت چین با منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (با ۴۰۰ شهر) از طریق بنادر توسعه‌یافته امارات انجام می‌شود؛ بنداری که این کشور را به هاب اقتصادی منطقه تبدیل کرده‌اند. امروز امارات در تجارت نفتی و غیرنفتی شریک نخست و بعد از عربستان است. اقتصاد امارات نیز با اقتصاد بین‌المللی شده که تعمیق منافع با آن برای چین و اولو به قیمت مناسبات با اقتصاد تحریمی و منقطع از اقتصاد جهان و ناراحت‌کردن تهران از طریق اتخاذ چنین موضوعی جذاب‌تر است و اولویت بیشتری دارد. بر کسی پوشیده نیست که «پول» محرک اصلی روابط خارجی چینی‌هاست و هر جایول بیشتری را بدون دردسر عاید‌شان کند، به آن سمت متمایل می‌شوند. در این راستا نیز، تجارت غیرنفتی امارت در سال ۲۰۲۳ به رقم بی‌سابقه ۹۳.۹۵۲ میلیارد دلار رسید؛ یعنی حدود هفت برابر تجارت نفتی و غیرنفتی ایران در سال گذشته؛ در این شرایط توجهی از این تجارت یک تریلیون دلاری چشم‌دوخته است و به الزامات سیاسی آن هم‌تن می‌دهد. البته منافع فزاینده با امارات تنها مولفه جهت دهنده سیاست خارجی چین در تقویت روابط با ابوظهبی نیست؛ بلکه باید آن را در بستری بزرگ‌تر هم دید. چین در دهه اخیر به شکل قابل توجهی در مسیر گسترش روابط خود با دنیای عرب گام برداشته و در مسیر احیای جاده ابریشم نیز حساب ویژه‌ای روی توسعه ارتباطات با آن باز کرده است؛ به نحوی که تجارت یکن با جهان عرب از رقم ۳۶ میلیارد دلار در ۲۰۰۴ به ۴۰۰ میلیارد دلار در سال گذشته میلادی رسید. در این راستا، چین تلاش کرده است که هم‌زمان با سه کشور عربستان، قطر و امارات که هر کدام بلوکی را در جهان عرب رهبری می‌کنند، مناسبات اقتصادی و سیاسی خود را گسترش دهد. البته کشورهای عربی به ویژه در حوزه عربی خلیج فارس نیز در سالیان اخیر برای گسترش روابط با چین و روسیه خیز قابل توجهی برداشته‌اند که بی‌ارتباط با نگرانی آن‌ها از کاهش نفوذ آمریکا در منطقه نیست.